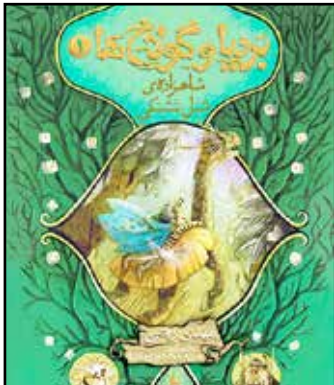
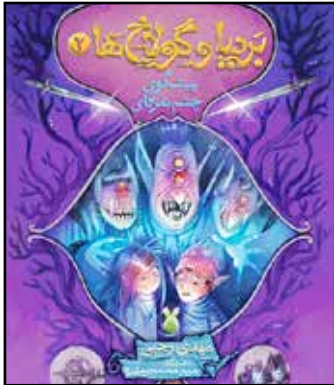


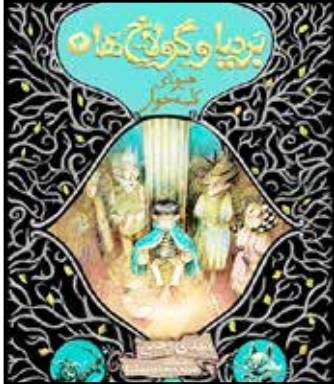
به احترام و برای کودکان
مجموعه «بر دیا و گولاخ‌ها»



«بر دیا و گولاخ‌ها» نام یک مجموعه سه جلدی است که مهدی رجبی نوشته و نشر افق منتشر کرده است. جلد نخست کتاب «شاهزاده شئل تشکی»، جلد دوم، «پیشگوی چشم‌نقره‌ای» و سومین مجلد «هیولای کلمه‌خوار» نام دارد. بر دیا نام قهرمان کوچک این مجموعه است که در موقعیت‌های ماجراجویانه‌ای که قرار می‌گیرد، به توانایی‌های خود پی می‌برد. بر دیا یک همستر دارد که نامش آلبرت است. آلبرت، همستر بر دیا گم می‌شود و بر دیا به پیرزن همسایه مشکوک می‌شود؛ بر او را جادوگری می‌داند که قرار است با همستر او سوپ درست کند. بنابراین شئل تشکی اش را می‌پوشد و با آسانسور هزار طبقه به زیر زمین می‌رود تا همسترش را نجات دهد، اما بر دیا در آن جابا گولاخ‌های آدم‌خوار روبه‌رو می‌شود و ماجراهای کتاب ادامه می‌یابد.



در جلد دوم، بر دیا با خوردن میوه‌های جادویی گوش‌های گولاخی درمی‌آورد. در این هنگام پیشگویی، یک تشک فلزی به بر دیا می‌دهد و بعد سر و کله‌مانیا که دختری مرموز است پیدای می‌شود. این بار گولاخ‌ها از زیر زمین به روی زمین می‌آیند و می‌خواهند همه کتاب‌ها را نابود کنند و با کمک خواهرها، دروازه‌های تاریکی را باز کنند و ماجراهای بر دیا ادامه می‌یابد.



جلد سوم با این جمله‌خور خه‌لوئیس‌پور خس آغاز می‌شود: «همیشه تصور کرده‌ام که دنیا جایی خواهد بود شبیه یک کتابخانه». در این بخش، بر دیا دسته‌گل به آب می‌دهد و باعث می‌شود یکی از خواهرهای بدست گولاخ‌ها بیاftند و حالا گولاخ‌ها می‌توانند با گذشتن از دروازه تاریکی همه کتاب‌ها را نابود کنند، اما قبل از این که کار از کار بگذرد، بر دیا و گروه نگهبانان جنگجو باید از تونل دنیاها بگذرند و به جنگ جادوی هوم‌ها بروند، اما باید دید که جنگجو‌ها می‌توانند مقاومت کنند و از رودخانه طلسم‌شده منوشابه‌نخورند یا نه؟ مجموعه «بر دیا و گولاخ‌ها» به نوعی هری پاتر ایرانی است و مهدی رجبی که پیش از این نیز کتاب‌های موفقی برای کودکان نوشته، هوشمندانه از عناصر ایرانی و فضا و موقعیت‌های آشنا با مکان و جهان درونی کودکان استفاده کرده است. برای مثال با استفاده از پیرزن جادوگر که از عناصر افسانه‌های هزار و یک شب است در فضای مدرن شهری داستان را به ماجراهایی ملموس برای کودکان تبدیل کرده است. روایت طنزآمیز مهدی رجبی از ماجراهایی پر حادثه و هیجان انگیز، این مجموعه را از زائر و حشمت‌دور کرده است. مهدی رجبی هوشمندانه نجات کتاب‌ها را هدف بر دیا قرار می‌دهد تا تلویحاً به کودکان یادآوری کند که وجود کتاب‌ها چه قدر برای جهان حیاتی هستند. مهدی رجبی از معدود نویسندگان کودک است که زبان کودکان را نیز خوب می‌شناسد.

نگاهی به شرایط کتاب کودک در ایران

کتاب‌های کودک برای کودکان نوشته نمی‌شوند



افسانه فرقدان - روزنامه نگار

کتاب به عنوان جزء اصلی فرهنگ که حتی اساس و مبنای سینما و تئاتر نیز شمرده می‌شود، از آغازین سال‌های زندگی افراد جامعه تا دوران کهنسالی، همواره در زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. کتاب در ساخت شخصیت و شرایط روحی و روانی و تربیت کودکان و آمادگی آن‌ها برای رویارویی با مسائل اجتماعی تأثیر چشمگیری دارد. بنابراین شاید به جرأت بتوان گفت تولید کتاب کودکان، مهمترین بخش صنعت نشر است. پس ضروری است که به این کالای بنیادین به قدر کافی توجه شود تا از عهده بخشی از مسئولیت تربیت کودکان نه با شعار کلیشه‌ای آینده‌سازان کشور، بلکه جهت آمادگی کودکان برای ساختن و داشتن زندگی شادتر و سالم‌تر برآییم.

داستان نویسان کودک در سن باز نشستیگی

چندی پیش حضور در جلسه داستان نویسان کودک به عنوان منتقد و شنیدن داستان‌ها و ردوبدل شدن حرف‌هایی درباره آن‌ها؛ نگارنده را بر آن داشت که به این مهم بپردازد و این شماره از صفحه کتاب به مشکلات کتاب کودکان اختصاص یابد، زیرا کتاب کودکان در این بازار تجارت پیشه، مظلوم و مهجور واقع شده و عوامل تولید آن، امری به غایت جدی را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند. نکته‌ای در آن جلسه مطرح شد مبنی بر این که نباید در داستان کودکان از کلمه «دواج» یا «عروسی» استفاده کرد، زیرا کاربرد این کلمه برای کودکان زود و ناپهنگام است، پس باید کلمه‌ای دیگر را جایگزین آن کرد یا داستان را به کلی کنار گذاشت. نگاهی سری به داستان نویسان حاضر در جلسه، این نکته را روشن می‌کرد که میانگین سنی داستان نویسان حدود ۶۰ سال است. بلی، این‌ها داستان نویسانی هستند که چند نسل با کودکان امروز فاصله دارند و هیچ تضمینی هم وجود ندارد که طرز تفکرشان را با دغدغه‌های کودکان تطبیق داده باشند. این پیشکسوتان ادبیات کودک که بخش مهم و عظیمی از جهان خیالی دوران کودکی ما را ساختند، اکنون تنها در نقش پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های قصه‌گو ظاهر می‌شوند که گاه یک قصه تکراری را بارها تعریف می‌کنند و هر بار تنها نام شخصیت‌ها تغییر می‌کند و حوادث، اندکی جابه‌جا می‌شوند. البته داستان نویسانی با سنین پایین‌تر نیز در این عرصه وجود دارند، اما «سن» نمی‌تواند به تنهایی معیار و ملاکی برای تولید داستان خوب باشد. نگارنده منکر این نیست که کتاب‌های خوبی در داخل تولید می‌شوند، اما هنوز فاصله خود را با کتاب‌هایی که در سطح جهانی به محبوبیت می‌رسند حفظ کرده‌اند. پرسش این جاست که کتاب‌های کودک ایرانی با چه تفکر و معیاری نوشته می‌شوند؟ و داستان نویسان کودک چه میزان با روانشناسی کودک و جهان کودک‌انی که برای آن‌ها می‌نویسند، آشنایی دارند؟

اکنون تعدادی از داستان نویسان کودک پا به سن گذاشته‌اند و با نسلی که برای آن‌ها می‌نویسند فاصله گرفته‌اند و نتوانسته‌اند خودشان را با تغییرات روحی و فکر کودکان دنیای پر آشوب مدرن هماهنگ و همراه کنند. از سویی دیگر، تعداد اندک داستان نویسان جوانی که در حیطه کودکان می‌نویسند، باز سوی ناشران پذیرفته نمی‌شوند یا به دلیل مشکلات

و هزینه‌های چاپ، ناشران علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری روی داستان‌های آن‌ها را ندارند. اما آثار همین داستان نویسان جوان نیز نیاز به بررسی دقیق و همه‌جانبه دارد که چه میزان توانستند خود را با معیارهای جهانی و تغییر اندیشه و برهم‌زدن کلیشه‌های جهان کودکانه همراه کنند. داستان نویسان ایرانی به واقع چه قدر علایق کودکان امروز را به رسمیت می‌شناسند و آموزه‌های رفتاری و اخلاقی و خلاقیت را با «این همانی» شخصیت‌هایی که خلق می‌کنند، در کودکان نهادینه می‌کنند؟

تاریخ انقضای «حسنی نگوی به دسته گل»

در واقع اکنون اکثر کتاب‌های سالیان گذشته که تاریخ مصرف پیام‌سانی آن‌ها سرآمده، به‌طور مداوم تجدید چاپ می‌شوند؛ زیرا با این روش، پرداخت حق التالیف به نویسنده جوان و هزینه‌های طراحی صفحه و گرافیک و طراحی جلد که از کتاب بزرگسالان پرهزینه‌تر است، به‌خودی‌خود حذف می‌شود. یعنی کودک امروز همچنان در حال خواندن کتاب‌های دونسل پیش از خود است؛ مانند حسنی که به حمام نمی‌رود و ناخنش را کوتاه نمی‌کند. البته حسنی که به حمام نمی‌رفت حالا به «حسنی و چشم‌برزخی» و «حسنی و اثری هسته‌ای» تبدیل شده است. بنابراین کاهش روند انتشار کتاب‌های جدید موجب شده که کتاب کودکان به لحاظ محتوایی دچار آسیب‌شود، زیرا انگیزه لازم برای تولید کتاب‌های فاخر وجود ندارد و نویسندگان به سمت کارهای سفارشی روی می‌آورند و در نتیجه آثاری ضعیف خلق می‌کنند. ناشران نیز در این عرصه رویکردی بازاری دارند و ترجیح می‌دهند آثاری منتشر کنند که بازار توجه بیشتری به آن نشان می‌دهد و نه تولید آثار شاخص و همراهی با نویسنده برای خلق شخصیت‌ها و داستان‌های جدید که بتواند شیوه تفکر و تربیت کودک را به سمت و سویی اصولی و خلاقانه جهت دهد. در این میان معدود ناشرانی هستند که با دقت بیشتری آثار را بررسی و برای چاپ آثار نوسرمایه‌گذاری می‌کنند. البته اکنون شاید نتوان در این باره چندان به ناشران خرده گرفت، زیرا افزایش هزینه‌های نشر کتاب کودک، آن‌ها را به سوی تجدید چاپ یا استفاده از نویسندگانی بسا حق التالیف ارزان می‌کشاند. از طرف

دیگر تعداد کتاب‌های ترجمه‌ای به کتاب‌های تألیفی در بازار می‌چرید و حالاً در این میان می‌توان ورود مترجمان کم‌سواد به عرصه ترجمه کتاب کودک را نیز به مشکلات اضافه کرد. بنابراین با خالی شدن عرصه از نویسندگان خوب داخلی، دغدغه‌های کودک ایرانی کمتر طرح می‌شوند. تکرار مضامین، برخورد گماتیسیم با مسائل روز و عدم‌رایی ذهن نویسنده از چارچوب عقاید، کودک ایرانی را تبیل و مطیع بار می‌آورد. در این میان برخی منتقدان نیز از ادبیات فانتزی در برابر ادبیات مذهبی انتقاد می‌کنند، غافل از این که ذهن کودک، آزادانه تمایل به خلق جهانی دیگرگون و متفاوت دارد و گاهی با ساخت موجودات فانتزی در ذهن خود، با آن‌ها تعامل می‌کند و این موجب می‌شود که خلاقیت کودک بدون سمت و سویی، آزادانه بتواند از کلیشه‌های بیرون برود و ابداع و خلق و اختراع و ساخت چیزهای نو و تازه را تمرین کند.

نکته مهم دیگر این است که اکثر نویسندگان ایرانی با ادبیات کهن و الگوهای ملی و میهنی و قصه‌های فولکلور و عامیانه بیگانه‌اند و از آن‌ها برای ساخت شخصیت‌هایی نو استفاده نمی‌کنند که در صورت توجه کافی به این موارد، دو هدف

برآورد می‌شود؛ یکی معطوف شدن به الگوهای میهنی و پرنگ کردن هویت ایرانی و دیگری نگاه خودانگیزه و خلاقانه بدون گرت‌برداری از الگوهای غربی.

آغاز داستان نویسی برای بچه‌ها

شاید بتوان هانس کریستین آندر سن دانمارکی را نخستین نویسنده‌ای دانست که به‌طور حرفه‌ای به ادبیات کودکان پرداخت. او از افسانه‌های عامیانه و قصه‌های پریان - که پیشتر درباره قصه‌های پریان به عنوان نخستین سنگ بنای داستان نویسی گفتیم - استفاده کرد و با بازآفرینی آن‌ها، گونه‌ای افسانه معروف به «افسانه‌های نو» را پدید آورد. پس از او افراد دیگری نیز وارد حیطه داستان کودکان شدند، اما از سده نوزدهم، داستان نویسی برای کودکان به عنوان یک پیشه در غرب رسمیت یافت. «آلیس در سرزمین عجایب»، از قدیمی‌ترین داستان‌های کودک است که ریاضی‌دانی به نام لویی ک Carroll آن را نوشته که هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده و در

والگوهای ملی و میهنی و قصه‌های فولکلور و عامیانه بیگانه‌اند و از آن‌ها برای ساخت شخصیت‌هایی نو استفاده نمی‌کنند که در صورت توجه کافی به این موارد، دو هدف

برآورد می‌شود؛ یکی معطوف شدن به الگوهای میهنی و پرنگ کردن هویت ایرانی و دیگری نگاه خودانگیزه و خلاقانه بدون گرت‌برداری از الگوهای غربی.

شاید بتوان هانس کریستین آندر سن دانمارکی را نخستین نویسنده‌ای دانست که به‌طور حرفه‌ای به ادبیات کودکان پرداخت. او از افسانه‌های عامیانه و قصه‌های پریان - که پیشتر درباره قصه‌های پریان به عنوان نخستین سنگ بنای داستان نویسی گفتیم - استفاده کرد و با بازآفرینی آن‌ها، گونه‌ای افسانه معروف به «افسانه‌های نو» را پدید آورد. پس از او افراد دیگری نیز وارد حیطه داستان کودکان شدند، اما از سده نوزدهم، داستان نویسی برای کودکان به عنوان یک پیشه در غرب رسمیت یافت. «آلیس در سرزمین عجایب»، از قدیمی‌ترین داستان‌های کودک است که ریاضی‌دانی به نام لویی ک Carroll آن را نوشته که هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده و در

والگوهای ملی و میهنی و قصه‌های فولکلور و عامیانه بیگانه‌اند و از آن‌ها برای ساخت شخصیت‌هایی نو استفاده نمی‌کنند که در صورت توجه کافی به این موارد، دو هدف

تمام جهان ترجمه و بارها باز نشر شده است. از آن پس داستان نویسی برای کودکان، به تدریج به مشرق زمین راه یافت و در ایران جبار باغچه‌بان نخستین کسی بود که در سال ۱۳۰۰ به شیوه مدرن برای کودکان داستان نوشت. اما جریان داستان نویسی برای کودکان از دهه ۴۰ به بعد با پایه‌گذاری شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یک جریان، رسمیت یافت. در این میان مترجمان، هوشمندانه دست به ترجمه کتاب‌هایی از جهان غرب زدند و در جهت‌دهی شیوه تفکر و نگارش نویسندگان ایرانی نقش مهمی بازی کردند. نشریات، رادیو و تلویزیون نیز به کمک آن‌ها آمدند و در ترویج و گسترش ادبیات کودکان و شناخته شدن نویسندگان تأثیر گذاشتند.

عقاید ایدئولوژیک در نخستین داستان‌های کودک

در همین دوران نویسندگان مبارزی چون صمد بهرنگی به جمع داستان نویسان کودک پیوستند که بعدها بسیاری نیز از او پیروی کردند. اما نگارنده شیوه داستان نویسی صمد بهرنگی برای کودکان را مضر و بدون در نظر گرفتن روان‌شناسی می‌داند. مضامین مبارزه‌جویانه که از ذهنیت نویسندهرمی‌آید در برخی از داستان‌ها خشن و صرفاً تمثیلی برای بزرگسالان است. داستان‌های صمد بهرنگی بر طبقه‌بندی اجتماعی کودکان و قرار دادن کودک مرفه در برابر کودک فقیر و در واقع بر نوعی ایدئولوژی تأکید می‌کنند. همین مسئله نشان می‌دهد که یک ذهن ایدئولوژیک نمی‌تواند برای دنیای بدون قضاوت کودکان قصه تعریف کند. علاوه بر آن، داستانی که برای کودکان نوشته می‌شود باید بتواند ذهن خلاق کودک را تربیت کند و تمرین دهد تا کودک بتواند در عالم واقع، ایده‌های فکری‌اش را هر چند خام، به حیطه عمل درآورد. صمد بهرنگی تنها یک نمونه از داستان نویسان کودک است که می‌توانیم به جرأت بگوییم یافته‌ها و جهت‌گیری‌های خود را در سنین پر شور جوانی به جهان و داستان کودکان وارد کرده است.

در میان داستان‌های امروزی نیز به داستان‌هایی برمی‌خوریم که ذهنیتی کودکانه ندارند و با دنیای بچه‌ها کاملاً غریبه‌اند و حتی گاه عقب‌تر از آن‌ها حرکت می‌کنند.

پرنسس و قورباغه در برابر سیندرلا

در کتاب «پرنسس و قورباغه» که سال ۲۰۰۹ نوشته و کارتنی هم بر اساس آن ساخته شد، یک شاهزاده پسر از طی ماجراهایی با یک دختر سیاه‌پوست که پیش خدمت کافه است، ازدواج می‌کند و در پایان هر دوی آن‌ها رستورانی را تأسیس می‌کنند و با هم در آن کار می‌کنند. هشت سال بعد، شاهزاده یکی از کشورهای اروپایی با یک

پرنسس و قورباغه در برابر سیندرلا در کتاب «پرنسس و قورباغه» که سال ۲۰۰۹ نوشته و کارتنی هم بر اساس آن ساخته شد، یک شاهزاده پسر از طی ماجراهایی با یک دختر سیاه‌پوست که پیش خدمت کافه است، ازدواج می‌کند و در پایان هر دوی آن‌ها رستورانی را تأسیس می‌کنند و با هم در آن کار می‌کنند. هشت سال بعد، شاهزاده یکی از کشورهای اروپایی با یک

پرنسس و قورباغه در برابر سیندرلا در کتاب «پرنسس و قورباغه» که سال ۲۰۰۹ نوشته و کارتنی هم بر اساس آن ساخته شد، یک شاهزاده پسر از طی ماجراهایی با یک دختر سیاه‌پوست که پیش خدمت کافه است، ازدواج می‌کند و در پایان هر دوی آن‌ها رستورانی را تأسیس می‌کنند و با هم در آن کار می‌کنند. هشت سال بعد، شاهزاده یکی از کشورهای اروپایی با یک